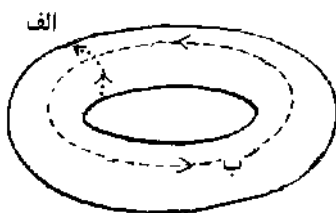


توپولژی یا هندسه موضعی

توپولژی یا هندسه موضعی علمی است که به مطالعه حجم های هندسی قابل انعطاف می پردازد. در این علم مسائل همجواری، امتداد سطوح و تقاطع آنها با توجه به اصول ریاضی و بدون در نظر گرفتن عامل اندازه گیری متریک مورد تفحص قرار میگیرد.

لکان برای اولین بار در سمینار سال 1962 (نطباق هویت¹) از داده های توپولژی سود میجوید. چنبره، نوار موبیوس و بطری کلین از جمله مهمترین شکل های موضعی هستند که مورد استفاده لکان قرار گرفته اند.

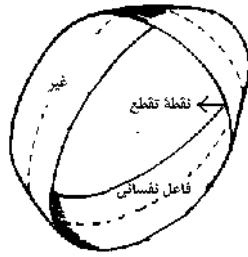
-چنبره² دارای دو حرکت دورانی است: حرکت استوانه ای (الف) به گرد محور چنبر و حرکت مدور در حول سوراخ یا خلاء مرکزی (ب).



حرکت استوانه ای (الف) حاکی از طلب و تکرار آن نزد فاعل نفسانی است. فرد با ابراز تقاضا و طلب خود از این امر غافل میماند که طلب او (الف) در واقع چیزی جز آرزومندی غیر (ب) نیست. بهمین ترتیب نیز آرزومندی او بر اساس طلب غیر تعین می یابد.

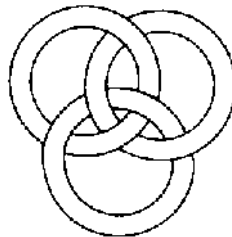
ناگفته پیداست که مورد طلب (فضای خالی استوانه ای داخل چنبر) و مطلوب آرزومندی (سوراخ یا خلاء مرکزی چنبر) هر دو مقولاتی فقدانی هستند. زیرا که طلب آدمی، اساسی جز مطلوب آرزومندی غیر ندارد و مطلوب تمنا بنوبه خود مطلوبی است گمشده و تهی. مثال: زن حامله با «ویار» های خود نشان میدهد که به طرح های اولی کودکی خود یعنی مرحله دهانی بازگشته و مجدداً اساس رابطه خویش را با مادر بنحو شدید یافته ای تجربه میکند. «ویار» ها حاکی از طلب تکراری اوست (الف)، طلبی که آرزوی غیر (ب) یعنی رقابت با مادر را در مقابل پدر در خود پنهان دارد.

- در نوار موبیوس نقطه تقاطع چیزی جز مطلوب تمنا نیست که حاصل یعنی مازادی³ است از تلاقی فاعل نفسانی با غیر.



چنانکه میبینیم در نوار موبیوس پشت ادامه روست و رو ادامه پشت. لذا «مَن» و «غیر» هر یک وجهه ای است از دیگری. عبارت دیگر غیریت غیر همان غیریت مَن است، زیرا که من خود را همواره بصورت غیر میابم و این اوست که عامل افکار و امیال منست. گواه آن ضمیر نا آگاه منست که به کسی جز من تعلق ندارد اما من کاری جز تبعیت از او نتوانم کرد.

- گره برومه⁴: لکان برای اولین بار در 1972 گره برومه را در تعلیمات خویش وارد میکند تا نحوه پیوند و انسجام سه قطب اساسی نفس آدمی را نشان دهد. در گره برومه سه حلقه وجود دارد (ساحت رمز و اشارت - حیث خیالی - حیث واقع)



این سه حلقه بنحوی با هم گره خورده اند که هیچیک زندانی دو دیگر نیست ولی اگر برشی در یکی از آنها ایجاد کنیم دو دیگر نیز از هم باز میشوند. نحوه پیوند گره برومه نزد هر فردی از افراد آدمی متفاوت بوده بر اساس سرگذشت او تعیین می یابد.

¹Identification, Séminaire inédit

²Tore

³Reste

⁴Nœud borroméen